

Scrutiny different approaches to the Nafisabil rule and its implications for international financial messengers and comparing alternative Swift solutions to meet this rule

Mahdi Salami *

Received: 2021/07/12

Ali Bgheri **

Accepted: 2021/12/13

Mohammad Saeed Shadkar ***

Abstract

After the Islamic Revolution and the continuation of the hostile approach of the enemies especially the USA, Iran also had to prepare and confront in all areas. In the economic sphere, the USA in the first years of the revolution put Iran under the pressure of its sanctions, and began extraterritorial sanctions against Iran in 1984, which took effect in 1996 due to legal obstacles. However, most of Iran's sanctions were imposed in 2010, and the monetary and financial system, especially Iranian banks and the Central Bank of Iran, were added to the sanctions list. Swift messengers help facilitate international business transactions by accurately recording financial transaction information. US access to Swift's non-European data center and oversight of all of Iran's international financial transactions have facilitated the imposition of sanctions and the recognition of some bottlenecks to circumvent sanctions. Therefore, Swift can be considered as the most important tool in the hands of the USA to monitor the implementation and exertion of hostile sanctions against Iran. This article, which is based on the analytical-library method written, we intend to evaluate different approaches to the Nafisabil rule, to show in which view the use of centralized international financial messengers, including Swift, can lead to a violation of the Nafisabil rule. Characteristics of decentralized messengers, based on DLT such as blockchain, we will show how these messengers help to implement the Nafisabil rule in the trade relations of the Islamic Republic of Iran by preventing the aristocracy and supervision of the USA.

Keywords: Economic Sanctions; Nafisabil Rule; Banking Network; Financial Messengers; Distributed Ledger; Technology (DLT)

JEL Classification: F24, F33, F51, Z12

* Master's student in Islamic Studies and Economics, Faculty of Economics, Imam Sadiq University, Tehran. Iran. Mahdi.salami@isu.ac.ir

** Master's student of Islamic studies and economics, Faculty of Economics, Imam Sadiq University, Tehran. Iran. allibagheri17@gmail.com

*** PhD in Economic Sciences, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran. Iran. m_s_shadkar@ut.ac.ir

بررسی رویکردهای مختلف به قاعده‌ی نفی سبیل و دلالت‌های آن در موضوع پیام‌رسان‌های مالی بین‌المللی و مقایسه راهکارهای جایگزین سوئیفت در جهت تحقق این قاعده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

مهدی سلامی*

علی باقری**

محمدسعید شادکار***

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی و ادامه یافتن رویکرد خصمانه دشمنان ایران و انقلاب به خصوص ایالات متحده، ایران نیز می‌بایست در تمامی عرصه‌ها خود را آماده مقابله و دفاع می‌کرد. در عرصه اقتصادی، ایالات متحده در همان سال‌های اول انقلاب، ایران را زیر فشار تحریم‌های خود (تحریم‌های اولیه) قرار داد، تحریم‌های فراسرزمینی علیه ایران را نیز از سال ۱۹۸۴ آغاز کرد که به دلیل وجود موانع حقوقی از سال ۱۹۹۶ ترتیب اثر یافت. با وجود این عمده تحریم‌های ایران از سال ۲۰۱۰ وضع شد و نظام پولی و مالی خصوصاً بانک‌های ایرانی و بانک مرکزی ایران یکی پس از دیگری به لیست تحریم‌ها اضافه شدند. پیام‌رسان سوئیفت با ثبت دقیق اطلاعات تراکنش‌های مالی به تسهیل مبادلات تجاری بین‌المللی کمک می‌نماید. دسترسی آمریکا به دیتاست‌های غیراروپایی سوئیفت و اشراف بر تمامی تراکنش‌های مالی بین‌المللی ایران، امکان اعمال تحریم‌ها و شناخت برخی از گلوگاه‌های موجود جهت دورزدن تحریم‌ها را تسهیل کرده‌است. بنابراین سوئیفت را می‌توان به عنوان مهم‌ترین ابزار در دست ایالات متحده جهت نظارت بر تحقق و اعمال تحریم‌های خصمانه علیه ایران دانست. در مقاله پیش‌رو که مبتنی بر روش تحلیلی-توصیفی نگاشته شده‌است، قصد داریم ضمن بررسی رویکردهای مختلف به قاعده نفی سبیل، نشان دهیم در کدام نگاه استفاده از پیام‌رسان‌های متمرکز مالی بین‌المللی از جمله سوئیفت، می‌تواند منجر به نقض قاعده نفی سبیل شده و در ادامه با بررسی ویژگی‌های پیام‌رسان‌های غیرمتمرکز، مبتنی بر فناوری دفترکل توزیع‌شده (DLT) مانند بلاکچین، نشان خواهیم داد چطور این پیام‌رسان‌ها با جلوگیری از اشراف و نظارت ایالات متحده، به اجرای قاعده نفی سبیل در روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران کمک می‌نمایند.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی؛ نفی سبیل؛ شبکه بانکی؛ پیام‌رسان مالی؛ دفتر کل توزیع شده؛ سوئیفت.

طبقه‌بندی JEL: F24, F33, F51, Z12

* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران.

Mahdi.salami@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه امام‌صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران.

allibagheri17@gmail.com

*** دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

m_s_shadkar@ut.ac.ir

مقدمه

کشورها بنا به دلایل متعددی نیازمند به برقراری روابط تجاری با سایر کشورها هستند که از جمله مهم‌ترین این دلایل می‌توان به مفهوم مزیت نسبی آن‌ها اشاره کرد (Krugman, Obstfeld & Melitz; 2018) که منجر به افزایش کارایی و رفاه جمعی ایشان می‌شود. در طی این مبادلات بین‌المللی معمولاً در یک طرف مبادله کالا و خدمات با طرف دیگر که معمولاً پول است معاوضه می‌شوند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، به‌ویژه در اواخر دهه ۱۹۵۰، تجارت جهانی به سرعت شروع به رشد و شکوفایی کرد و به موازات آن حجم عملیات بین‌المللی بین‌بانکی گسترش یافت، لیکن عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در محاورات بین‌بانکی باعث آشفتگی در پرداخت‌های بین‌المللی و افزایش هزینه‌های بانکی شده بود.

سوئیفت در سال ۱۹۷۷ با هدف حل این معضل و با عضویت ۵۱۸ بانک از ۲۳ کشور به طور رسمی فعالیت خود را آغاز نمود (SWIFT; 2016). لکن باتوجه به ایجاد شفافیت مبدا و مقصد تراکنش‌ها، به عنوان مهم‌ترین ابزار در دست ایالات متحده برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تبدیل شده است که به دو شکل صورت می‌گیرد: شکل اول، رصد مبادلات ایران؛ دولت آمریکا با دسترسی غیرقانونی که به سوئیفت و داده‌های آن دارد، این امکان را دارد تا همه مبادلات انجام شده در آن را رصد نماید و از وضعیت کشورهای مدنظر خود از جمله ایران، در مبادلات جهانی‌شان اطلاع یابد و از این اشراف اطلاعاتی در جهت بهینه‌سازی و حداکثرسازی تحریم‌های خود علیه ایران استفاده نماید. شکل دوم نیز تهدید ایران به تحریم و قطع دسترسی به سوئیفت است که منجر به ایجاد اختلال در مبادلات بانکی کشور می‌شود (عزیزی و شریفیان، ۱۳۹۹ (الف)، ص. ۶). که نتیجه اختلال در مبادلات مالی، اختلال در تجارت بین‌المللی، کاهش صادرات، افزایش نرخ ارز و دیگر مشکلات اقتصادی خواهد بود که در نهایت به آشفتگی‌های اجتماعی و سیاسی ختم خواهد شد.

لذا این امر موجب تضعیف و تهدید نظام و جامعه اسلامی شده و راه سلطه کفار بر ایشان در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و... را باز کرده است که این موضوع با قاعده فقهی نفی سبیل در تناقض است. منظور از قاعده نفی سبیل این است که خداوند متعال در تشریح اسلامی، حکمی را که اجرای آن موجب تسلط و نفوذ کافران بر آحاد مسلمانان گردد، جعل نفرموده است (علیدوست، ۱۳۸۳، ص. ۲).

از این رو در این تحقیق ابتدا به تعریف و جایگاه قواعد فقهی اشاره می‌کنیم و سپس قاعده نفی سبیل و جایگاه آن را مورد بحث قرار می‌دهیم. در ادامه با بیان ادله لفظی (کتاب و سنت) و لَبّی (عقل و اجماع) این قاعده، رویکردهای متفاوت فقها نسبت به دلالت‌ها و شمول این قاعده درباره مصادیق را تشریح می‌کنیم و با ارائه یک دسته‌بندی از رویکردهای مختلف به بررسی مصداق نظام تسویه بین‌المللی موجود و نحوه انتقالات مالی جمهوری اسلامی ایران می‌شویم و بیان می‌کنیم که حتی با مضیق‌ترین نگاه نسبت به شمولیت قاعده نفی سبیل، این امر مشمول این قاعده می‌شود. سپس با معرفی فناوری دفترکل توزیع‌یافته، راهکارهای جایگزین سوئیفت را بیان و مقایسه می‌نماییم و در نهایت راهکاری را پیشنهاد می‌دهیم که براساس رویکرد حداکثری نسبت به قاعده نفی سبیل مورد پذیرش باشد و همچنین امکان تحقق و عملیاتی کردن آن نیز وجود داشته باشد.

۱. مرور پیشینه‌ها

جعفری هرنندی (۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان «قاعده نفی سبیل و کاربرد آن در روابط بین‌الملل» پس از بررسی ادله این قاعده و پذیرش تنها دلیل عقلی بیان می‌کند که رویکرد مشهور نسبت به این قاعده، موجب انزوای جوامع اسلامی می‌شود و معتقد است قاعده نفی سبیل ناظر به مواردی است که تسلط دینی محوریت داشته باشد و همان‌طور که برای اثبات قاعده فقط به دلیل عقلی می‌توان استناد نمود، باید برای تعیین مصادیق نیز به عقل مراجعه کرد.

آقامهدوی و اکبری (۱۳۹۱) در پژوهشی اشاره می‌دارند به لحاظ اینکه مفهوم نفی سبیل "استقلال" را می‌فهماند و موضوع آن وجود هرگونه سلطه و سبیل کفار بر مسلمانان می‌باشد و هر زمانی که این موضوع تحقق یابد، حکم قاعده پدید می‌آید، استراتژی‌های ما به این نحو خواهد بود که در برخی موارد، نفی سبیل ایجاب می‌کند که به سیاست انزواطلبی روآورده شود و در بعضی مواقع سیاست عدم تعهد و بیطرفی را پیشه راه خود کنیم. همچنین امکان دارد به خاطر نفی سبیل، سیاست ائتلاف و اتحاد با کشورهای اسلامی و غیر محارب را در جهت تحقق اهداف اسلامی عملی کنیم.

محمدعلی اخلاص (۲۰۱۴) مقاله‌ای با عنوان «حکم فقهی نفی سبیل (غیرمسلمانان بر مسلمانان سلطه ندارند) و شرکت در سازمان‌های بین‌المللی» نگاشته و بیان داشته است که برخی از سازمان‌های بین‌المللی سطحی از سلطه را بر کشورهای اسلامی تحمیل می‌کنند اما در مورد سازمان‌ها نباید تنها به قاعده نفی سبیل توجه نمود بلکه باید قواعدی چون قاعده لاجرح، قاعده مصلحت و قاعده تزاحم در کنار قاعده نفی سبیل در نظر گرفته شوند و در نتیجه در شرایط و زمان‌های گوناگون ممکن است که کشورهای اسلامی رویکرد متفاوتی نسبت به سازمان‌های بین‌المللی داشته باشند.

رضایی و هاشمی (۱۳۹۱) مقاله خود را با عنوان «بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه‌های اسلامی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نگاشتند و پس از بررسی جایگاه این قاعده در اندیشه امام رحمت‌الله‌علیه و بیان ادله قاعده نفی سبیل و قیل و قال‌های مطرح شده ذیل آن، نتیجه گرفتند که مفاد این قاعده منطبق اسلام در صحنه روابط بین‌المللی است و برقراری هرگونه رابطه و انجام هرگونه اعمالی که منجر به سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و عقیدتی کافران بر مسلمانان شود، مردود است و در تطبیقات فروع فقهی همواره باید اقتضای درک عقل مد نظر فقیه مستنبط باشد.

میری رستمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «بررسی الزامات بین‌المللی در مواجهه با قاعده نفی سبیل و تأثیر آن در بقاء نظام از منظر قرآن و فقه امامیه» به بیان قرآنی قاعده نفی سبیل پرداختند و به تعدادی از مصادیق این قاعده در فقه و حقوق

مدنی اشاره نمودند. سپس مسئولیت تعیین مصادیق آن را برعهده‌ی قانونگذاران و عاملین دانستند.

دیاری بیدگلی و داوری (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «تأثیر آیه نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» دیدگاه‌های فقهای شیعه و علمای اهل سنت را در مورد قاعده نفی سبیل بررسی می‌نماید و رابطه آیه نفی سبیل با اصل استقلال و اصل نفی رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و اصل عزت را مورد بحث قرار می‌دهند و نتیجه می‌گیرند که اولاً بهترین دیدگاه برای قاعده نفی سبیل دیدگاهی است که معتقد است آیه ۱۴۱ سوره نساء دلالت بر عموم دارد و ثانیاً اصول «استقلال»، «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» و «عزت» برگرفته از این آیه هستند.

امانی جونقانی و همکاران (۱۴۰۰) تحقیقی با عنوان «رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین سوئیفت در محیط تحریم (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)» هشت راهکار برای جایگزینی سوئیفت ارائه دادند و پس از مقایسه آنان راهکارهای پیمان پولی دوجانبه و سواپ ارزی و پیوستن به سیستم مالی چین و روسیه را به عنوان اولویت‌های برتر برگزیدند.

خاشعی ورنامخواستی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «واکاوی آینده نظم پولی جهانی و تأثیرات آن بر نظام بانکداری بین‌الملل ایران» پس از بیان جایگاه هژمونیک دلار در نظام اقتصادی جهان، به بررسی سناریوهای آتی این جایگاه پرداختند و چهار سناریوی محتمل را بیان کردند که عبارت‌اند از: تداوم هژمونی دلار، جایگزینی با ارز ملی دیگر، تقویت ارزهای چندجانبه و جایگزینی با ارز دیجیتال. در نهایت نتیجه گرفتند که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت نمی‌توان به فروپاشی سلطه دلار خوشبین بود.

بچل و همکاران (۲۰۱۹) مقاله‌ای با عنوان «آینده پرداخت‌ها در اقتصاد اروپایی مبتنی بر DLT: یک نقشه راه» نگاشته‌اند و نقشه راهی در جهت حرکت به سمت یوروی دیجیتال و آینده پرداخت‌ها در یک اقتصاد اروپایی مبتنی بر DLT پیشنهاد نموده‌اند.

شرکت KPMG، در کشورهای گوناگون جهان خدمات حسابرسی، مالیاتی و مشاوره‌ای ارائه می‌دهد، در گزارش خود (۲۰۱۹) با عنوان «ده پیش‌بینی برای آینده پرداخت‌ها» پیش‌بینی می‌کند که فناوری دفترکل توزیع‌یافته زیربنای یک شبکه پرداخت با سرعت بالا و متصل به سراسر جهان خواهد بود.

میلکائو (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «پرداخت‌های بین‌المللی: جایگزین‌های فعلی و محرک‌های آن‌ها» به بررسی جایگزین‌های فعلی برای پرداخت‌های بین‌المللی و محرک‌های پشت این تحولات می‌پردازد. و ادعا می‌کند که در حال حاضر هیچ جایگزین فعلی نمی‌تواند به طور کامل جایگزین سیستم موجود شود و به تحقیقات بیشتر در این زمینه نیاز است.

مک داوول (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «تحریم‌های مالی و ریسک سیاسی در نظام ارزی بین‌الملل» به این نکته می‌پردازد که استفاده بیش از حد از ابزار تحریم مالی به عنوان اهرم فشار بر دشمنان خارجی اثربخشی آن را کاهش می‌دهد، ریسک سیاسی را افزایش می‌دهد و آن‌ها را تشویق به سیاست‌های دلارزدایی می‌کند.

فنتکسی و گابی (۲۰۲۱) در اثر خود با عنوان «استیبل‌کوین‌ها، ارزهای دیجیتال بانک مرکزی و هژمونی دلار آمریکا» پیش‌بینی می‌کنند که استیبل‌کوین‌ها نقش مهمتری را در مقیاس جهانی بازی خواهند کرد و بررسی می‌کنند که چگونه چنین ابزارهای پرداختی به همراه سایر سیستم‌های پرداخت الکترونیکی می‌توانند به عنوان ابزاری برای دورزدن تحریم‌های اقتصادی و در نهایت به عنوان چالشی برای هژمونی دلار آمریکا در سیستم پولی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرند.

خدمات تحقیق کنگره (CRS) در گزارش خود (۲۰۲۱) با عنوان «سیستم‌های پیامرسانی مالی بین‌المللی» که آن را برای اعضا و کمیته‌های کنگره ایالات متحده آمریکا تهیه کرده‌است، پس از بیان پیچیدگی‌های پردازش پرداخت برون‌مرزی، به بحث درباره جایگاه و اهمیت پیامرسان‌های مالی برای فرایند تسویه بین‌الملل پرداخته است و سپس با اشاره به رشد تکنولوژی و افزایش تحریم مؤسسات مالی از سوی ایالات متحده،

احتمال استفاده از فناوری بلاک‌چین در جهت پرداخت‌های بین‌المللی را محتمل دانسته و در نهایت پیشنهادهایی به کنگره ایالات متحده ارائه کرده است.

به‌طور کلی پیشینه پژوهش را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد؛

گروه اول: پژوهش‌هایی که به بررسی کارکرد قاعده‌ی نفی سبیل در عرصه بین‌المللی پرداخته‌اند.

گروه دوم: پژوهش‌هایی که به بررسی تحریم و مشکلات پیام‌رسان سوئیفت در روابط بانک‌های ایرانی اشاره کرده‌اند.

گروه سوم: در نهایت نیز پژوهش‌هایی که به آینده نظام پرداخت‌های بین‌المللی و نظم نوین این نظام پرداخته‌اند.

همان‌طور که مشهود است نه در پژوهش‌های داخلی و نه در پژوهش‌های خارجی به موضوع کارکرد قاعده‌ی نفی سبیل در نظام پرداخت بین‌المللی پرداخته نشده است که در این تحقیق سعی داریم دلالت‌های این قاعده را در موضوع مذکور بیابیم.

۲. قاعده فقهی نفی سبیل

قواعد فقه، فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص. ۲). قاعده فقهی بر اساس آنچه از استنباط کلام اصحاب ^{قدس سره} به دست می‌آید، همان چیزی است که یک حکم فقهی عام را شامل می‌شود که مختص باب خاصی از فقه نیست، بلکه همه ابواب را در برمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص. ۱۱).

قاعده «نفی سبیل و سلطه‌ی کافران بر مسلمانان» یکی از مشهورترین قواعد فقهی نزد فقهای مسلمان است (علیدوست، ۱۳۸۳). حتی شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر ولایت غیرمسلمانان بر مسلمانان تأکید نشده باشد (زارعی، زینی‌وند و محمدی، ۱۳۹۳، ص.

۱۵) و نقشی بسیار پررنگ در روابط بین‌المللی مسلمانان دارد به گونه‌ای که از مهمترین قواعد و احکام فقهی که در عرصه‌های مختلف روابط داخلی و خارجی مسلمانان وجود دارد و سبب توسعه می‌گردد، قاعده نفی سبیل است که عملی کردن آن، باعث پیشرفت و توسعه همه جانبه مسلمانان در جهان می‌گردد؛ همان‌طور که ترک آن باعث عقب‌ماندگی و وابستگی به غرب و کفار می‌شود (رایگان و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص. ۲).

استفاده و استناد به این قاعده در فقه شیعه به قرون اولیه تدوین فقه باز می‌گردد. شیخ طوسی در «الخلافا» و «المبسوط»، در مباحث مربوط به بیع و قصاص به این قاعده مهم اشاره می‌کند (شجاعیان، ۱۳۹۹، ص. ۲). این قاعده در یک سیر تدریجی توسعه مفهومی یافته است و از یک حکم تشریحی به شکل یک قاعده فقهی درآمده است و اینگونه نبوده که از ابتدا به عنوان یک قاعده فقهی شناخته شود (شاکری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶، ص. ۸). اما با گذشت زمان و پررنگ‌تر شدن مسائل حکومتی برای فقها، شاهد بسط مفهومی این قاعده شدیم به طوری که اوج استناد به این قاعده را می‌توان در دوران قاجار و سپس در زمان حیات امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و پس از انقلاب اسلامی مشاهده کرد.

شجاعیان (۱۳۹۹) فرایند تحول مفهوم نفی سبیل را به سه مرحله تقسیم می‌کند: ۱. مرحله اول از ابتدای تأسیس فقه تا قرن هشتم هجری که نفی سبیل منحصر در مباحث بیع، ارث، قصاص و حق شفعه بوده است، ۲. مرحله دوم از قرن هشتم تا اواسط قرن سیزدهم هجری که در این مرحله دو موضوع مهم بر دلالت‌های این قاعده افزوده می‌شود که یکی ورود نفی سبیل به مباحث فقه سیاسی و جهاد و دیگری ممنوعیت برتری غیرمسلمانان بر مسلمانان از طریق قرارداد بود، ۳. مرحله سوم از زمان تألیف کتاب «العناوین الفقهیه» توسط سید میر عبدالفتاح مراغی تا کنون که در این مقطع است که نفی سبیل به عنوان یک قاعده فقهی مطرح می‌شود و به دلالت‌های سیاسی این اصل قرآنی توجه کامل می‌شود.

بنابراین به واسطه‌ی این قاعده، هرگونه حکمی که از ناحیه‌ی آن حکم، موجبی برای علو و سلطنت کافر بر مسلم باشد به مقتضای این آیه‌ی شریفه «وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (آیه ۱۴۱ سوره نساء) از صفحه‌ی تشریح مرفوع است (بجنوردی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۰) و مطابق قول مشهور مستنبط از آیه ۱۴۱ سوره نساء است. مفاد قاعده، نفی هرگونه ارتباط مسلمانان با کفار نیست؛ آنچه مضمون این قاعده است نفی ارتباط تسلط مدار کفار با مسلمانان است (علیدوست، ۱۳۸۳، ص. ۳).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه بر این اساس تأکید فراوانی بر استقلال ایران اسلامی داشته‌اند. ایشان در این باره اینگونه فرموده‌اند: «بارها تذکر دادیم که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا و شوروی و انگلستان - این جهان‌خواران بین‌المللی - استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کنند» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص. ۲۵). با این حال پس از مشاهده شهرت و قدمت قاعده نفی سبیل، باید اظهار داشت که رویکردهای متفاوتی به این قاعده وجود دارد که این رویکردها شمولیت و جاری شدن این قاعده در مصادیق مختلف را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. بنابراین برای استفاده از این قاعده در روابط پولی بین‌المللی و به طور خاص مسئله فرایند تسویه و پرداخت بین‌المللی که مورد توجه این تحقیق است، نیاز است با بررسی ادله و اسناد این قاعده، رویکردهای متفاوت به قاعده نفی سبیل و دلالت‌های آن‌ها را بشناسیم تا بتوانیم از این قاعده به نحو درست در روابط پولی و تسویه بین‌المللی استفاده نماییم.

۱-۲. ادله قاعده نفی سبیل

این قاعده به وسیله تمام ادله چهارگانه شیعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) قابل استناد و اثبات است. و از هر چهار منبع اجتهاد برای آن استدلال شده است. آنچه مسلم است این است که در حجیت این قاعده میان صاحب‌نظران اختلافی وجود ندارد و در اینکه مفاد این قاعده اجمالاً اشاره به عدم تسلط کفار بر مسلمین دارد نیز تردیدی نیست اما

توصیف دقیق این قاعده از حیث مفهومی و شمول آن نسبت به مصادیق محل اختلاف شده است (شکاری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶). در این بخش به بیانی اجمالی از ادله و دسته‌بندی رویکردهای مختلف به این قاعده خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲. کتاب

۱-۱-۱-۲. آیه کریمه ۱۴۱ سوره نساء

خداوند متعال در آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُفْرٍ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْذِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكُنْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». «منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شما نیستند، چنانچه برای شما فتح و ظفری پیش آید (برای اخذ غنیمت) گویند: نه آخر ما با شما بودیم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آن‌ها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم؟! پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند، و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود» (قمشه‌ای).

قسمت پایانی این آیه مورد استناد فقها برای قاعده نفی سبیل واقع شده است و اصلاً نامگذاری این قاعده بر اساس همین آیه بوده است و این نشان از اهمیت بسیار این آیه در اثبات قاعده نفی سبیل دارد. اما باید گفت که میان فقها در دلالت این آیه بر مفاد قاعده نفی سبیل اختلاف وجود دارد و پیرامون این آیه از منظر مفسران فریقین دیدگاه‌های مختلفی از جمله نفی جعل تشریعی، نفی جعل تکوینی، نفی حجت در روز قیامت، نفی حجت در دنیا، نفی نصر در دنیا و توسعه عام آیه بیان شده است. از آنجا که قائلین به دیدگاه نفی حجت در دنیا و نفی نصر در دنیا بسیار اندک هستند و گروهی از طرفداران دیدگاه نفی حجت در روز قیامت، نفی حجت در دنیا را هم می‌پذیرند، می‌توان این دیدگاه‌ها را به چهار گروه تقسیم نمود:

۱. قائلین به نفی جعل تشریحی؛

مشهور قائل به این است که مراد از «لن یجعل» عدم جعل هر حکم تشریحی توسط خداوند است که منجر به ذلت مسلمین و عزت کفار یا سیطره کفار بر مسلمین شود (شکاری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶) و خداوند تبارک و تعالی در این آیه شریفه می‌فرماید که در عالم تشریح هیچ‌گونه حکمی که موجب سبیل و علو و سلطنت کافر بر مؤمنین و مسلمین باشد وجود ندارد و تشریح و جعل نیز نشده است (بجنوردی، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۰).

مرحوم مقدس اردبیلی در این باره می‌نویسد: با این آیه می‌توان استدلال کرد بر اینکه کافر از هیچ راهی از قبیل تملک، اجاره، رهن و غیر اینها تسلطی بر مسلمانان ندارد؛ چرا که در اینجا نکره در سیاق نفی است و آن مفید عموم است پس هیچ سبیلی برای کافر علیه مسلمان وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۵۵۷).

همچنین میر عبدالفتاح مراغی در "العناوین الفقهیه" می‌نویسد: خداوند متعال در این آیه، سبیل کفار بر مؤمنین را به طور عموم نفی کرده است. پس هر چیزی که راه سلطه کافر بر مسلمان باشد از جانب خدا جعل نشده است و چیزی که از جانب خدا جعل نشده باشد باطل است چون آنچه خداوند امضاء کرده باشد و به آن راضی باشد صحیح است و گرنه باطل است (مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲، صص. ۳۵۹-۳۵۷).

۲. قائلین به نفی جعل تکوینی؛

این دیدگاه میان فقهای شیعه طرفدار زیادی ندارد و عمده قائلین آن، علمای اهل سنت می‌باشند (دیاری بیدگلی و داوری، ۱۴۰۰). و نکته حائز اهمیت آن است که چنانچه در ادامه بیان خواهد شد، افرادی مانند حضرت امام رحمت‌الله‌علیه نفی جعل تکوینی را نیز پذیرفته‌اند؛ از منظر ایشان مصداق نفی سبیل در تکوین امدادات غیبی است که موجب برتری سپاه اسلام در مواقع بسیار گردیده است (شکاری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶، ص. ۵).

۳. قائلین به نفی حجت؛

برخی از مفسرین با الهام از وحدت سیاق حاکم بر آیه به پیوند میان دو بخش از آیه قائل شده و همین امر باعث شده است تا آن‌ها مفاد آیه را حجت و احتجاج در روز قیامت بدانند (دیاری بیدگلی و داوری، ۱۴۰۰، ص. ۱۰). معنای آیه این است که حکم از امروز به نفع مؤمنین و علیه کافران است و تا ابد نیز چنین خواهد بود و هرگز به عکس نمی‌شود و این خود اعلامی است به منافقین که از رسیدن به هدف خود مایوس باشند و به حکم این آیه در همه دوره‌ها فتح و پیروزی از آن مؤمنین و علیه کافران خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص. ۱۱۶). علامه طباطبایی احتمال جمع را امکان‌پذیر می‌داند و بیان می‌کند که احتمال هم دارد که نفی «سبیل» اعم از تسلط در دنیا باشد یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می‌شوند و نه در آخرت، و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالبند (دیاری بیدگلی و داوری، ۱۴۰۰، ص. ۱۴).

از مفسران، ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان و روح الجنان (ابوالفتوح رازی، ۱۲۰۵ ق، ج ۵، ص ۱۸۵) بر این عقیده می‌باشد؛ همچنین مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان، پس از ذکر اقوال مختلف ذیل این آیه، قول نفی حجت در روز قیامت را مورد تأیید خود قرار می‌دهد (طبرسی، ج ۹، ص. ۱۳۱).

در میان فقها شیخ انصاری در "مکاسب" بر این باور است که مقتضای ظهور آیه و سیاق و صدور آن، این است که آیه اختصاص به آخرت دارد و شامل سبیل دنیوی نیست و جمله قبلش "فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ" قرینه است بر اینکه مراد، نفی سبیل در آخرت است چون حکم خدا بین بندگان در روز قیامت خواهد بود و غیر از خدا کسی حکم نخواهد کرد و در آن روز است که کافر به هیچ وجه سبیلی بر مسلمانان نخواهد داشت (انصاری ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص. ۵۸۴).

۴. قائلین به مفهوم عام و موسع آیه؛

نسبت به این آیه نظر دیگری نیز توسط امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مطرح شده است که با نظر مشهور متفاوت است و مقصود خداوند را نفی جمیع طرقی می‌داند که منجر به سلطه‌ی کافرین گردد، اعم از اینکه این طرق جنبه‌ی تکوینی داشته باشد و یا جنبه تشریحی (شکاری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶). حضرت امام رحمت‌الله‌علیه یکی از مصادیق آیه را نفی جعل تکوینی می‌دانند، و قائلند هرگونه عمل اعم از تکوینی و تشریحی که موجب یاری رساندن به کافران باشد و یا غلبه فکری و فرهنگی آنان را در دنیا و یا غلبه فکری و برتری استدلال و برهان آن‌ها را در آخرت و یا سلطه و حاکمیت اعتباری و یا فیزیکی و تکوینی آنان را در پی داشته باشد، نفی کرده است (دیاری بیدگلی و داوری، ۱۴۰۰، ص. ۸).

در مورد سبیل احتمالات فراوانی همچون نصر، حجت در دنیا، حجت در آخرت، سلطه اعتباری و سلطه خارجی مطرح شده است (قرطبی، ۱۳۶۴ق؛ موسوی الخمینی، ۱۴۲۱ق؛ رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱). اما امام واژه سبیل را در این آیه همچون دیگر استعمالات آن در قرآن بر معنای لغوی آن حمل می‌کند. ایشان معتقدند که سبیل در این کریمه مردد بین معانی مختلف نیست و ضمن دلالت بر معنای طریق بر مطلق طرق تکوینی و تشریحی دلالت دارد (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱، ص. ۸). و گروهی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند با توجه به کلمه «سبیل» که به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و افاده عموم می‌کند چنین قولی را پذیرفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، صص. ۱۷۵-۱۷۶).

۱-۱-۱-۲. آیه کریمه ۸ سوره منافقون

خداوند متعال در آیه شریفه ۸ سوره منافقون می‌فرماید: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». می‌گویند اگر به مدینه برگردیم قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آنجا بیرون

خواهد کرد [ولی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است لیکن این دورویان نمی‌دانند (فولادوند).

این آیه برتری را مخصوص مؤمنان می‌داند و عزت مؤمن اقتضا می‌کند که حکمی نباشد که کافر را بر او مسلط کند و گرنه عزت و شرف آن مؤمن از بین می‌رود (رضایی و هاشمی به نقل از جعفری بی تا، ۱۳۹۱، ص. ۹).

۲-۱-۱-۲. آیه کریمه ۱۱۳ سوره هود

خداوند متعال در آیه ۱۱۳ سوره مبارکه هود بیان می‌دارند: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ». و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد (فولادوند).

رکون به ستمکاران که کافران اشرف ستمکاران می‌باشند، یک نوع اعتماد است که ناشی از میل و رغبت به آنان باشد، حال فرقی ندارد چه این رکون در اصل دین باشد، مثل اینکه پاره‌ای از حقایق دین را که به نفع آنان است بگیرند و از آنچه به ضرر ایشان است دم نزنند و فرو برند، و چه اینکه در حیات دینی باشد، مانند اینکه به ستمکاران اجازه دهند تا به نوعی که دلخواه ایشان است در امور دینی مسلمین دخالت کنند و ولایت عامه را به دست گیرند، و چه اینکه آن‌ها را دوست بدانند و دوستی‌شان به قدری آمیزد که در شئون حیاتی جامعه اسلامی یا فردی اثر بگذارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، صص. ۶۶-۶۸).

۲-۱-۲. سنت

مهمترین روایتی که به عنوان دلیل برای قاعده نفی سبیل ذکر می‌شود، مرسله‌ای است که شیخ صدوق (۱۴۱۳ق) در کتاب شریف «من لایحضره الفقیه» آن را از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که ایشان می‌فرمایند: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ». و حدیث مذکور بر این نکته تأکید دارد که چون اسلام برتر از کفر است نباید احکام آن به نحوی

باشد که موجب تسلط کفار بر مسلمین گردد (جعفری هرندی، ۱۳۸۴، ص. ۵). همچنین مشابه این روایت در وسائل الشیعه اینگونه نقل شده است: «قَالَ عَ الْإِسْلَامُ يُعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص. ۱۲۵).

درباره این حدیث دو دسته مناقشه وجود دارد که دسته اول اشکالاتی است که به سند روایت وارد شده است و دسته دوم بحث‌ها و مناقشاتی است که مرتبط با دلالت این حدیث بر مفاد قاعده نفی سبیل است. در باب سند حدیث آنچه مطرح است این است که این روایت مرسل است و برخی این روایت را به حیث سندی دارای اشکال می‌دانند و روایت را به خاطر مرسل بودن دارای ضعف می‌دانند (طباطبایی قمی، ۱۳۸۱).

با توجه به مبانی اصول فقهی فقها، می‌توان با اتکا به قولی که عمل اصحاب را جابر ضعف سند می‌داند، این حدیث را معتبر دانست. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مرسل بودن روایت را تأیید می‌کند اما با توجه به اینکه روایت بر اساس نقل برخی از بزرگان مشهور است و همچنین شیخ صدوق به طور جزم آن را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت می‌دهد، این روایت را معتبر می‌داند چراکه از نظر امام رحمت‌الله‌علیه شهرت در بین قداما جابر ضعف سند است (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱). اما گروهی از فقها که این مبنا را قبول ندارند، باز نمی‌توانند این حدیث را دارای اعتبار برشمرند.

دومین دسته از مناقشات مربوط به دلالت حدیث بر مفاد قاعده نفی سبیل است. برخی احتمال ارشاد به علو ذاتی اسلام را مطرح کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۲۱). و برخی حدیث را اینگونه تفسیر می‌کنند که هر عملی که موجب تسلط کفار بر مسلمین شود غیر مشروع است. و برخی مانند امام رحمت‌الله‌علیه حدیث را درصدد بیان وجوب برتری اسلام بر سایر ادیان می‌دانند (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱).

۳-۱-۲. اجماع

اجماع در لغت به معنای اتفاق (نظر) است و اما در اصطلاح، اجماع به معنای اتفاق علمای یک عصر بر حکمی شرعی است (سبحانی، ۱۳۸۵، ص. ۲۰۵). اجماع در نزد شیعه زمانی حجیت است که کاشف از قول معصوم علیه‌السلام باشد (سبحانی، ۱۳۸۵). با این مقدمه در اینکه مضمون قاعده به تقریری که بیان گردید، مقبول همه فقیهان است، تردیدی نیست (علیدوست، ۱۳۸۳، ص. ۵). و از بررسی احکام مقرر در فقه و نظر فقها معلوم می‌شود که هر جا حکم اولیه ایجاب کرده تا کافری بر مسلمانی تسلط یابد، آن حکم منتفی اعلام شده است. و لذا به صورت قطعی می‌توان گفت که فقها در فتوی و عمل قاعده یاد شده را مستند قرار داده‌اند (جعفری هرنندی، ۱۳۸۴، ص. ۵). و اجماع محصل قطعاً وجود دارد بر اینکه در اسلام حکمی که سبب برتری کفار بر مسلمین شود وضع نشده است (کریمی لاریمی، ۱۳۹۷، ص. ۴).

اما نکته قابل توجه این است که این اجماع دارای احتمال مدرکی بودن است یعنی ناشی از دلیلی است که در کتاب و سنت ذکر شده و اتفاق نظر فقها مستند به آن دلایل است (شکاری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶). در نتیجه تمسک به اجماع در این مسئله تنها بر مسلک کسانی قابل توجیه است که اجماع را حتی با وجود اسناد معتبر دیگر، دلیل دانسته و به آن تمسک می‌کنند (علیدوست، ۱۳۸۳، ص. ۶). اما به هر صورت اگر در این جا اجماع دلیل مستقلی هم نباشد به عنوان مؤید می‌تواند مورد استناد قرار گیرد (جعفری هرنندی، ۱۳۸۴، ص. ۵).

۴-۱-۲. عقل

عقل یکی از حجت‌های چهارگانه است و علمای شیعه، به جز عده قلیلی از آنان [= اخباریان] آن را حجت می‌دانند (سبحانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۵). و اصلاً روایات ما عقل را به عنوان حجت ظاهر برشمرده‌اند. در کتاب العقل و الجهل کتاب شریف کافی از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است که: «يَا هِشَامُ، إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً،

بررسی رویکردهای مختلف به قاعده‌ی نفی سبیل و... / مهدی سلامی و همکاران *مطالعات اقتصاد اسلامی* ۲۳۹

وَ حُجَّةٌ بَاطِنَةٌ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْبِيَاءُ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۳). و قابل توجه است که عقل به عنوان دلیلی مستقل یا متمم دیگر اسناد و ادله چه در ساحت دلالت و چه در ساحت فهم نصوص از ویژگی‌های بارز فقه امام است (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵).

بدون تردید عقل با شناخت موضوع (سبیل و نفوذ کفار بر مسلمانان) و مفاسدی که بر آن مترتب است، تردیدی در ناروایی و قبح این عمل نمی‌ماند (علیدوست، ۱۳۸۳، ص. ۶). و مضمون این قاعده مورد درک عقل است؛ توضیح آنکه عقل با توجه به مقاصد کلان شارع، اهمیت و بایستگی علو و استقلال اسلامی را درک می‌کند و از آنجا که مفاد این قاعده تلازم حتمی با دو عنصر عزت و استقلال اسلامی دارد مورد درک عقل است و به بیانی تصویرش تصدیق را به همراه دارد (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵). همچنین وقتی شارع مردم را از اهانت به شعائر از جمله مؤمن نهی می‌کند چگونه ممکن است که تسلط کافر بر او را بپذیرد؟ (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق).

۲-۲. جمع‌بندی دیدگاه‌ها

بر اساس آنچه از ادله و اسناد قاعده نفی سبیل بیان شد، درمی‌یابیم که در میان این ادله، تنها دلیل عقلی است که مورد خدشه جدی وارد نشده است و در مابقی دلایل میان فقها اختلاف وجود دارد. که البته در پذیرش قاعده نفی سبیل خدشه‌ای وارد نمی‌سازد اما شمولیت این قاعده و مصادیق آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. تفاوت امر در این است که دلایل به دو دسته دلایل لفظی یعنی کتاب و سنت و دلایل لئی یعنی عقل و اجماع تقسیم می‌شوند. اگر یکی از دلایل لفظی این قاعده را بپذیریم، می‌توان در صورت عام و مطلق بودن آن، با تمسک به اطلاق و عموم لفظ، مصادیق یقینی و مشکوک را مشمول این قاعده قرار داد اما اگر صرفاً به دلیل عقلی این قاعده را پذیرفته باشیم، در موارد مشکوک نمی‌توانیم این قاعده را به کار گیریم و می‌بایست اصل برائت را جاری نماییم. لذا به جهت اینکه مصادیق را مشمول این قاعده نماییم باید با فرایندی

عقلی نشان دهیم که آن مصداق موجب ذلت و خواری مؤمنان و تسلط کفار بر آنها شده است.

بر این اساس می‌توان به جهت تعیین مصادیق جاری شدن این قاعده، دیدگاه‌های موجود را به سه دسته زیر تقسیم نمود:

۱. دسته اول (رویکرد مضیق و حداقلی): دیدگاهی که صرفاً دلیل عقلی را می‌پذیرد؛

آنچه به واسطه این دلیل مناط نفی سبیل واقع می‌گردد تنها اموری است که منجر به ذلت مسلمین شود بنابراین ملاک، ذلت و خواری است و از آن حیث که دلیل لُبّی است باید به قدر متیقن آن اکتفا نمود و اصل را بر اباحه و جواز در موارد مشکوک قرار داد (شکاری، ملیحی و ممتازنیا، ۱۳۹۶، ص. ۷).

۲. دسته دوم: دیدگاه‌هایی که دلیل لفظی (کتاب) را نیز می‌پذیرند و معنایی خاص از آن را مدنظر دارند؛

این دسته به یک دیدگاه خاص منحصر نمی‌شود اما برای مقصود ما تفاوتی ایجاد نمی‌کنند. بر اساس این دیدگاه فرایند عقلی بحث‌شده در مورد قبل پذیرفته شده است و همچنین می‌توان از طریق اثبات اینکه آن موارد مشکوک ذیل معنای منظور می‌گنجد، این قاعده را جاری و ساری کرد. اما در اینجا نیز نمی‌توان به اطلاق دلیل لفظی تمسک جست. بدون تردید مفهوم سبیل با اینکه مفهومی ثابت است، اما در تحقق و عینیت یافتن (مصادق)، متغیر و تابع شرایط زمانی و مکانی است. این مفهوم به اقتضای لایه‌دار و پیچیده بودنش به شدت تحت تأثیر شرایط و ظرفیت‌ها است. چه بسا آنچه در گذشته مصداق سبیل بوده، در دوران معاصر نباشد و بالعکس (علیدوست، ۱۳۸۳، ص. ۱۷).

۳. دسته سوم (رویکرد موسع و حداکثری): دیدگاهی که دلیل لفظی (کتاب) را نیز می‌پذیرد و معنایی عام و موسع برای آن قائل است؛

در این دیدگاه علاوه بر اثبات از طریق روش عقلی می‌توان به اطلاق و عموم دلیل لفظی تمسک جست و موارد مشکوک را نیز مشمول قاعده نفی‌سبیل نمود. بنابر آنچه پیشتر بیان شد حضرت امام رحمت‌الله‌علیه در این دسته قرار دارند و مفهومی موسع از آیه ۱۴۱ سوره نساء را مدنظر قرار دادند. البته برخی این رویکرد امام را نه صرفاً یک نظر در باب آیه بلکه یک دیدگاه متفاوت نسبت به فقه، تفسیر و تبیین می‌کنند. رضایی و هاشمی (۱۳۹۱) در این باره می‌نویسند: «نگاه کلی امام به فقه باعث شکل‌گیری نگرشی جدید به این قاعده و مفاد آن شده است؛ توضیح آنکه امام فقه را نه یک فقه فردی بلکه فقهی می‌داند که در نگاه مستنبط آن، حکومت فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است». و در ادامه می‌گویند: «نگاه اجتماعی و سیاسی امام به این قاعده و توجه به مفاد و مقتضای آن یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های امام در ساحت مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است، به طوری که می‌توان ادعا کرد این قاعده و توجه به آن فقه امام را دارای گفتمانی متفاوت از دیگر فقها، در ساحت کشف شریعت در آیین نصوص و ادله کرده است» و «ایشان در جریان اعتراض به قضیه واگذاری قضاوت کنسولی به اتباع آمریکا در ایران (کاپیتولاسیون) نیز با استناد به همین آیه به قانونی که برآیند آن سلطه قضایی و سیاسی اجانب بر مسلمانان بود اعتراض می‌کند».

۲-۳. تعیین مصادیق جاری شدن قاعده نفی‌سبیل

بر اساس دسته‌بندی ارائه شده در بخش قبل، اگر در موردی بتوانیم به صورت عقلی نشان دهیم که امری موجب تسلط کفار بر مسلمین شده است به نحوی که ذلت و خواری مسلمین را در پی دارد، این امر قطعاً مشمول قاعده نفی‌سبیل خواهد شد و اختلافی نیز وجود نخواهد داشت. چرا که مضیق‌ترین رویکرد، رویکردی بود که صرفاً

دلیل عقلی را برای این قاعده پذیرفته بود و مابقی دیدگاه‌ها نیز دلیل عقلی را پذیرفته بودند.

بنابراین در این تحقیق بنا داریم که به صورت عقلی اثبات کنیم که نظام پرداخت و تسویه بین‌المللی حال حاضر که مبتنی بر استفاده از پیامرسان سوئیفت است، موجب تسلط کفار بر مؤمنین شده و این امر ذلت مؤمنین را در پی داشته است و اگر بتوانیم آن را از این طریق اثبات نماییم، بر اساس دیدگاه اول نظام موجود مشمول قاعده نفی سبیل می‌شود و در نتیجه به طریق اولی براساس دیدگاه‌های دیگر از جمله دیدگاه حضرت امام رحمت‌الله‌علیه نیز مشمول این قاعده خواهد شد. و در ادامه نشان خواهیم داد که چگونه استفاده از پیامرسان‌های مبتنی بر فناوری دفترکل توزیع یافته در فرایند تسویه و پرداخت بین‌المللی به بستن سبیل کفار بر مؤمنین کمک خواهند کرد و زمینه خواری مسلمین را برطرف خواهند کرد.

۳. تحریم‌ها و نظام پرداخت و تسویه بین‌المللی

یکی از ارکان تجارت بین‌الملل، انتقال پول و انجام فرایند تسویه میان مبادله‌کنندگان است و اگر این فرایند دچار اخلال شود، هزینه مبادلاتی افزایش می‌یابد و چه بسا در عمل، تجارت صورت نپذیرد. در جهان امروز این انتقالات مالی از طریق بانک‌ها صورت می‌گیرد و انجام تراکنش میان بانک‌ها از طریق پیامرسان‌های مالی از جمله سوئیفت رخ می‌دهد. بنابراین می‌توان ارکان فرایند انتقالات مالی بین‌المللی را در سه رکن زیر خلاصه کرد (Bruce J. Summers, 1994, p. 30):

۱. پیامرسان مالی بین‌المللی

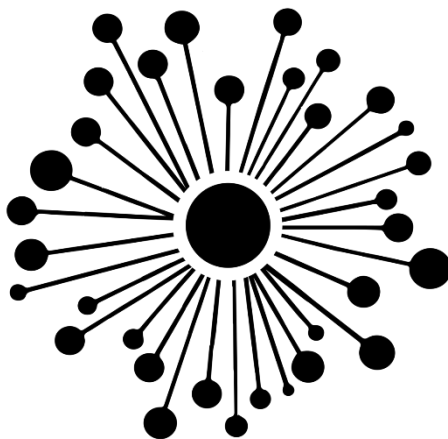
۲. روابط کارگزاری بانکی

۳. بستر تبادلات بین‌کشوری (انتقال ارزش میان کشورها)

رکن دوم (روابط کارگزاری بانکی) به ارتباط حرفه‌ای طرفین معامله مربوط می‌شود، به عبارت دیگر اینکه بانک مبدا و مقصد مستقیماً به یکدیگر متصل و مرتبط خواهند

بود یا با واسطه‌گری بانکی دیگر این ارتباط صورت می‌گیرد؛ همان‌طور که مشهود است این رکن راه سلطه بر مسلمین ایجاد نخواهد کرد و حتی اگر خطری تهدیدکننده باشد، با حذف واسطه و تعامل مستقیم، می‌توان آن را چاره نمود. در این بین، ترکیب رکن اول و سوم موجود در نظام پرداخت بین‌المللی موجب تسلط کفار از جمله ایالات متحده بر انتقالات مالی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شده است. برای روشن‌تر شدن این موضوع لازم است به نقش مهم و حیاتی پیام‌رسان‌های مالی در فرایند تسویه بین‌المللی توجه شود. پردازش یک پرداخت برون مرزی پیچیده تر از پردازش پرداخت داخلی است. پیام‌رسان مالی نقش مهمی در تسهیل پرداخت‌های فرامرزی برای تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و حواله‌ها دارند. موسسات مالی از پیام‌رسان مالی برای ارسال و دریافت پیام‌های مالی استفاده می‌کنند که توسط مؤسسات برای تأیید نوع و مبلغ تراکنش و هویت فرستنده و گیرنده آن استفاده می‌شود (Congressional Research Service Reports, 2021).

در حال حاضر عمده تراکنش‌های بین‌المللی میان کشورها به وسیله پیام‌رسان سوئیفت ثبت می‌شود (Congressional Research Service Reports, 2021). این پیام‌رسان به عنوان نهاد ثالث نقش دریافت و ارسال پیام‌های نقل و انتقالات مالی میان بانک‌ها را بر عهده دارد. و با توجه به جایگاهی که دارد در صورت رخداد اشتباه و شکایت در دادگاه، مرجع استناد حقوقی قرار داده می‌شود. چنانچه مشخص است، پیام‌رسان سوئیفت از نوع پیام‌رسان‌های متمرکز است و سوئیفت مانند یک گره عمل می‌کند که واسط میان بانک‌ها است. به طوری که بانک مبدا از طریق آن پیام ارسال می‌کند و بانک مقصد به واسطه آن پیام دریافت می‌کند. شکل زیر می‌تواند نشانگر این سیستم متمرکز باشد که سوئیفت در مرکزیت آن قرار دارد و بانک‌ها از طریق آن با یکدیگر در ارتباط هستند.



شکل ۱: سیستم متمرکز

این متمرکز بودن سوئیفت به خودی خود مشکل بالفعلی برای انتقالات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران ایجاد نمی‌کند اما به بهانه‌ی ردیابی و جلوگیری از تأمین مالی تروریسم (TFTP) ایالات متحده به پایگاه داده غیراروپایی و اطلاعات این پیام‌رسان اشراف دارد^۱، این امر موجب می‌شود انتقالات بین‌المللی جمهوری اسلامی در رصد کامل آمریکا قرار گیرد. این امر در کنار سلطه دلار در روابط پولی بین‌الملل که همان رکن سوم انتقالات مالی بین‌الملل است، قرار می‌گیرد، موجب می‌شود که ایالات متحده آمریکا در حوزه پرداخت و تسویه و انتقالات مالی بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران تسلط داشته باشد. و عملاً روابط اقتصادی بین‌المللی جامعه مسلمین تحت سلطه کفار قرار گیرد. میزان این سلطه و اینکه آیا موجب ذلت و خواری مؤمنین شده است یا خیر، با بررسی تحریم‌های مالی و بانکی وضع شده از سوی ایالات متحده آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌شود.

پیش از سال ۱۳۹۰ و در دوره اول تحریم‌ها سوئیفت تبدیل به ابزاری برای ایالات متحده شده بود تا تبادلات مالی جمهوری اسلامی را مورد رصد قرار دهد و جریان‌های مالی را شناسایی نماید و این مقدمه‌ای شد تا در دوره دوم تحریم‌ها بتواند مسیرهای شناسایی شده را تحریم نماید و با قطع دسترسی ایران به سوئیفت زمینه برای قفل

کردن و فروپاشی نظام پرداخت و سپس تجارت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران فراهم شود (عزیزی و شریفیان، ۱۳۹۹). در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، تحریم‌های بانکی به لحاظ ماهیتی دارای تفاوت‌های بسیاری گردید به طوری که تحریم‌های جدیدی علیه بانک مرکزی اعمال شد و حتی با قطع خدمات سوئیفت، سیستم بانکداری بین‌المللی ایران را متأثر ساختند (کیماسی، غفاری‌نژاد و رضایی، ۱۹۵، ص. ۵). با توجه به وظیفه‌ای که سوئیفت در نقل و انتقال دارایی در سطح بین‌المللی دارد، قطع دسترسی ایران به این نظام مالی، نقل و انتقال دارایی ایران با کشورهای خارجی را مختل می‌کند (امانی جونقانی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین با توجه به اینکه هویت شرکای تجاری جمهوری اسلامی برای ایالات متحده آشکار است، با اعمال تحریم‌های ثانویه، شرکای تجاری ایران نیز از ادامه همکاری با او سر باز می‌زنند. بنابراین ایالات متحده به واسطه شفافیت اطلاعاتی حاصل از سوئیفت به اعمال و وضع تحریم‌های مالی علیه جامعه و نظام مسلمین پرداخت. که به این واسطه اهدافی در پیش گرفت که می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد. برخی از این اهداف تا حدی به وقوع پیوسته و موجب سلطه کفار و ذلت مسلمین گردیدند:

۱. انزوای منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران
۲. امتیازگیری از ایران در مذاکرات هسته‌ای
۳. تحدید توان دفاعی و بازدارندگی نیروهای مسلح
۴. ایجاد ناامنی داخلی
۵. بازنگری در بومی‌سازی غنی‌سازی و تولید سوخت هسته‌ای
۶. ایجاد تعارض و شکاف بین مسئولان و جامعه (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱، ص. ۵)

همچنین می‌توان اهدافی دیگر نظیر کاهش صادرات ایران، کاهش تولید ناخالص داخلی ایران، افزایش نرخ ارز و تورم در ایران، افزایش نارضایتی عمومی و در مظان اتهام ناکارآمدی قرار دادن نظام اسلامی و تعالیم اسلامی را نیز ذکر نمود. به طور کلی

نیز تحریم‌های اقتصادی به منظور محروم‌سازی کشور هدف از بهره‌برداری از منابع و فرصت‌های اقتصادی و ایجاد رکود اقتصادی از طریق اختلال در سیستم درآمدها و توزیع منابع اقتصادی و با هدف تغییر در نظام سیاسی کشور هدف اعمال می‌شود (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱). اصلاً با توجه به اهمیت نظام بانکی و نقش حیاتی آن در اقتصاد، دولتمردان غربی با تحریم بانک‌ها سعی دارند اقتصاد کشور را به طور همه جانبه تحت تأثیر قرار دهند. به این صورت که ریسک تجاری و هزینه‌های سیستم بانکی و فعالان اقتصادی را افزایش دهند و در نتیجه تمامی کسب و کارها و مراودات مالی در مسیر بین‌المللی را دچار اختلال گردانند (اسدی و یآوری، ۱۳۹۹). به بیان دیگر قطع دسترسی بانک‌های ایران به سوئیفت نسبت به سایر تحریم‌هایی که سابقاً علیه ایران اعمال می‌شد تأثیر بیشتری داشت (امانی جونقانی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۵).

این موارد نشان می‌دهد که چگونه نظام تسویه فعلی موجب سلطه کفار بر نظام و جامعه مسلمین شده است و موجبات ذلت ایشان را فراهم کرده است. به همین دلیل، این امر مشمول قاعده نفی سبیل می‌شود و واجب است که این سبیل بر کفار و به خصوص ایالات متحده بسته شود. بر اساس مفاد این قاعده که منطبق اسلام در صحنه روابط بین‌المللی است، برقراری هرگونه رابطه و انجام هرگونه اعمالی که منجر به سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و عقیدتی کافران بر مسلمانان شود، مردود است (هاشمی و رضایی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲). بر اساس اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی باید مسدود گردد (سجادی، ۱۳۸۰، ص. ۸). و هرگونه رفتار و کردار و معامله اقتصادی و فرهنگی و ... که باعث تسلط بیگانگان بر مسلمانان و جامعه اسلامی باشد، به شدت نفی شده است (زارع قراملکی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۲). از این رو شریف‌زاده و حسنی (۱۳۹۳) بر اساس قاعده نفی سبیل سیاستی راهبردی ارائه دادند و بیان کردند: «در استفاده از الگوهای تجارت خارجی بین‌الملل، نباید از الگوهای استفاده نمود که در عمل باعث سلطه اقتصادی بر سایر کشورها شود». آن‌ها حتی گام را فراتر می‌نهند و

می‌گویند: «مهمترین مصادیق این اصل در عرصه تجارت خارجی را می‌توان دو مورد دانست. مورد اول در زمینه تحریم‌های اقتصادی و مورد دیگر در مورد پیروی کامل از برنامه‌های اقتصاد نئوکلاسیک در زمینه تجارت خارجی، صرف نظر از تبعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن است.»

می‌توان اصول صد و پنجاه و دوم و صد و پنجاه و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را نیز مبتنی بر قاعده نفی سبیل دانست. در اصل صد و پنجاه و دوم بیان شده است «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.» و اصل صد و پنجاه و سوم می‌گوید: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.» همچنین امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در رساله خود ذیل مسائل ۲۸۳۱ و ۲۸۳۲ می‌فرماید: «اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، واجب است قطع این‌گونه روابط و حرام است این نحو تجارت» همچنین «اگر عقد رابطه چه سیاسی و چه تجاری بین یکی از دول اسلامی و اجانب، مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، جایز نیست این‌گونه رابطه، و اگر دولتی اقدام به آن نمود، بر سایر دول اسلامی واجب است آن را الزام کنند به قطع رابطه به هر نحو ممکن است.»

همچنین باید توجه داشت که اگر این سبیل و سلطه بسته نشود، علاوه بر ذلت مؤمنین مسیر توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز تحت الشعاع قرار می‌گیرد و ذلت بیشتری نیز برای نظام و جامعه اسلامی پدید خواهد آمد. تأثیر قاعده نفی سبیل بر توسعه اقتصادی و عدم وابستگی و سلطه کفار و بیگانگان، امری مسلم است (رایگان و قاسمیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۳) و تا استقلال وجود نداشته باشد، صحبت از توسعه جایگاهی ندارد. در نتیجه باید به دنبال راهکاری برای بستن این سبیل و طراحی مدلی برای نظام

تسویه بین‌المللی و پیامرسان جایگزین نمود تا شفافیت و سلطه برای ایالات متحده محقق نشود. لزوم بازطراحی نظام تسویه بین‌المللی زمانی روشن‌تر می‌شود که توجه داشته باشیم از جمله موضوعاتی که برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، اصلاح سازمان‌های بین‌المللی موجود و نیز ایجاد سازمان‌های جدید بین‌المللی برای دغدغه‌های جدید بین‌المللی است (شهابی و شاه بیگ، ۱۳۹۶، ص. ۲۱).

۴. فناوری دفتر کل توزیع یافته ابزاری جهت تحقق قاعده نفی سیل

در این بخش با شناخت از ظرفیت و کارکرد فناوری دفتر کل توزیع یافته (DLT) بیان می‌کنیم که چگونه می‌توان با استفاده از این فناوری سلطه ایالات متحده بر انتقالات مالی بین‌المللی که از طریق پیامرسان سوئیفت و سلطه دلار ایجاد می‌شود را از میان برد.

۱-۴. دفتر کل توزیع یافته (DLT)

یکی از نوآوری‌های فناوری‌های فناورانه که بسیار محل بحث واقع شده است فناوری پایگاه داده توزیع یافته است. برای فهم بهتر این توزیع یافتگی باید به انواع شبکه اشاره کرد. به صورت کلی می‌توان شبکه‌ها را به سه دسته متمرکز، غیرمتمرکز غیرتوزیع یافته و غیرمتمرکز توزیع یافته تقسیم کرد (رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۵۷). در شبکه متمرکز تمام رایانه‌ها به یک رایانه مرکزی متصل هستند درحالی که در شبکه غیرمتمرکز غیرتوزیع یافته یک رایانه مرکزی وجود ندارد بلکه تعدادی رایانه مرکزی به یکدیگر متصل وجود دارند و مابقی رایانه‌ها به این رایانه‌ها متصل هستند. و در نهایت در شبکه غیرمتمرکز توزیع یافته رایانه مرکزی وجود ندارد و کلیه رایانه‌ها به یکدیگر متصل می‌باشند (Steen & Tanenbaum, 2016, p. 2).

DLT به یک رویکرد جدید و سریع در حال توسعه برای ضبط و به اشتراک گذاری داده‌ها در چندین پایگاه داده (دفترکل) اشاره دارد، که هر کدام دقیقاً سوابق یکسانی از

داده‌ها دارند و به‌طور جمعی توسط شبکه توزیع‌یافته‌ای از سرورهای رایانه‌ای که گره^۲ نامیده می‌شوند، نگهداری و کنترل می‌شوند (World Bank, 2017). هر شبکه DLT از سه بخش تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. مجموعه‌ای از رایانه‌ها که داده‌های دفتر را ذخیره می‌کنند و ما با نام گره آن‌ها را می‌شناسیم.

۲. یک شبکه ارتباطی برای ارتباط گره‌ها با یکدیگر و دریافت تراکنش‌ها

۳. مجموعه‌ای از پروتکل‌ها که چگونگی پردازش و ذخیره امن تراکنش‌ها توسط گره‌ها را توضیح می‌دهند (Zamani et al., 2021, p. 24).

آنچه در اینجا اهمیت داشته و مزیتی مهم تلقی می‌شود، فقدان قدرتی مرکزی است. در کل می‌توان نقاط قوت کلیدی دفترکل توزیع‌یافته را انتشار اطلاعات، قابلیت ردیابی کامل، سیستم پخش قابل اعتماد^۳ و انعطاف‌پذیری بالا دانست (swift, 2016). دفاتر کل توزیع‌یافته دارای انواعی هستند که مهمترین، مشهورترین و پرکاربردترین آنان فناوری زنجیره بلوک است.

۲-۴. زنجیره بلوک (بلاک‌چین)

در شکل عمومی خود، فناوری زنجیره بلوک به یک سیستم کاملاً توزیع‌یافته برای ثبت و ذخیره رمزنگاری یک گزارش به صورت رویدادی خطی، تغییرناپذیر و ثابت از تراکنش‌های بین بازیگران شبکه اشاره دارد (Risius, 2017, p.3). از دیگر ویژگی‌های این فناوری ثبت غیرقابل انکار فرایندها است. به بیان دیگر زنجیره بلوک یک دفتر کل توزیع‌یافته مشترک است که کار ثبت فرایندها و ردگیری دارایی‌ها را در یک شبکه کسب و کار ساده می‌کند (فیروزآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۸). همین موضوع باعث شده است اعتماد طرفین در صورت فقدان حاکمیتی مرکزی و ناظری بی‌طرف جلب شود.

نتیجه پردازش معاملات در دفتر کل بر اساس ترتیب آن‌هاست. تراکنش‌ها معمولاً در بلوک‌هایی جمع می‌شوند که هر کدام شامل تراکنش‌های زیادی است، و بلوک‌ها

برای تشکیل زنجیره‌ای، به هم متصل می‌شوند که به طور فرضی به آن زنجیره بلوک می‌گویند (Allen et al., 2020, p.14). زنجیره بلوک خود دارای انواعی است که تفاوتشان بر اساس امکان و دسترسی در خواندن داده‌ها و نوشتن روی زنجیره بلوک است (European Parliament, 2020). این انواع عبارت‌اند از:

۱. بلاک‌چین‌های عمومی: امکان ایجاد بلوک و رویت بلوک‌ها برای همه افراد مهیا است. به عبارت دیگر همه افراد می‌توانند به عضویت شبکه درآمده و تبدیل به گره شوند.

۲. بلاک‌چین‌های خصوصی^۴ (با دریافت مجوز): گره‌های شبکه آن متعلق به یک کنسرسیوم بسته یا حتی یک سازمان واحد است. که هم افزودن بلوک و هم رویت بلاک‌چین مشروط بر کسب مجوز است. یا به عبارت دیگر افراد با مجوز سازمان یا کنسرسیوم مربوطه می‌توانند به شبکه اضافه شده و گره شوند، و تنها گره‌ها امکان رویت زنجیره بلوک‌ها و افزودن بلوک به آن را دارند.

۳. بلاک‌چین‌های هیبریدی: افزودن بلوک جدید مشروط به کسب مجوز اما قابلیت رویت بلاک‌چین و توانایی انجام تراکنش‌ها می‌تواند برای هر کسی امکان‌پذیر باشد (European Parliament, 2020)

جدول ۱: مقایسه انواع زنجیره بلوک

| مجاز خواندن بلوک | مجاز نوشتن بلوک | |
|------------------------|------------------------|---------------------|
| مجاز داده شده برای همه | مجاز داده شده برای همه | زنجیره بلوک عمومی |
| مجاز محدود و مشروط | مجاز محدود و مشروط | زنجیره بلوک خصوصی |
| مجاز داده شده برای همه | مجاز محدود و مشروط | زنجیره بلوک هیبریدی |

منبع: IDATE Dig, World, blockchain, October, 2016

۱-۱-۴. ظرفیت بلاک چین در پرداخت‌های بین‌المللی

فناوری دفتر کل توزیع‌یافته به ویژه زنجیره بلوک دارای ویژگی‌هایی هستند که با استفاده از این فناوری می‌توان در پرداخت‌ها و انتقالات مالی بین‌المللی تمرکززدایی نمود. بیشتر تمرکز اولیه فناوری زنجیره بلوک در امور مالی بین‌المللی در پرداخت‌ها، تسویه حساب بوده است (Farrel, 2019, p. 2). از آنجایی که امکان تغییر اطلاعات ثبت‌شده روی آن برای هیچ یک از کاربرانش فراهم نیست، می‌تواند به عنوان یک دفتر کل ثبت اطلاعات تراکنش‌های بانکی بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین می‌توان گفت که دفتر کل توزیع‌یافته و به طور خاص زنجیره بلوک این ظرفیت را داراست که بتواند نقش پیام‌رسان در مبادلات بین‌المللی را ایفا کند به گونه‌ای که مزایای زیر را به همراه خواهد داشت:

۱. کاهش تسلط و حاکمیت شخص ثالث

۲. امنیت بالا

۳. سرعت بالا

۴. ایجاد تقارن اطلاعات

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از فناوری زنجیره بلوک، وابستگی خود به سوئیفت را از بین برده و در نتیجه به راحتی پرداخت‌های بین‌المللی خود را از این طریق انجام دهد. نکته حائز اهمیت در بازطراحی مدل جایگزین تسویه بین‌المللی از طریق سوئیفت، این است که جایگزین‌های آن انواعی دارد و لزوماً بر اساس فناوری زنجیره بلوک نیز نخواهد بود؛ مضافاً بر اینکه برخی از مدل‌های جایگزین ممکن است نتوانند قاعده نفی سبیل را محقق سازند و یا در آینده موجب تسلط کفار بر مسلمین شوند. از این رو در بخش بعدی به مقایسه انواع راهکارها برای اجرا و عملی کردن قاعده نفی سبیل در انتقالات مالی بین‌المللی می‌پردازیم.

۵. مقایسه پیامرسان‌های جایگزین سوئیفت و ارزیابی طبق تحقق قاعده نفی سبیل

در راستای پیاده‌سازی و تحقق قاعده نفی سبیل در انتقالات مالی بین‌المللی و بستن راه تسلط ایالات متحده بر جمهوری اسلامی ایران، می‌توان از راهکارهای متعددی استفاده نمود. تفاوت این راهکارها اولاً در انواع هزینه‌های عملیاتی، اجرایی و توافق آن‌ها است و ثانیاً در این است که بر اساس کدام یک از دیدگاه‌های مطرح شده در مورد نفی سبیل، این قاعده را محقق می‌کنند. یعنی ممکن است راهکاری براساس رویکرد حداقلی که تنها دلیل عقلی را پذیرفته است، قاعده نفی سبیل جاری شده باشد اما بر اساس رویکرد حداکثری امام خمینی رحمت‌الله‌علیه این قاعده محقق نشده باشد. جدول ۲ علاوه بر بیان این راهکارها به کمک چند شاخص به مقایسه آن‌ها نیز می‌پردازد:

جدول ۲: مقایسه انواع پیامرسان‌های جایگزین سوئیفت

| شماره | راهکار | هزینه اجرایی | هزینه توافق | امکان افشای اطلاعات | امکان اعمال سلطه | از نظر رویکرد حداکثری | از نظر رویکرد حداقلی |
|-------|--|--------------|-------------|---------------------|------------------|---------------------------------------|----------------------|
| ۱ | پیامرسان متمرکز خارجی (خارج از دسترس آمریکا) | بالا | بسیار پایین | بالا | بالا | عدم تایید | تایید |
| ۲ | پیامرسان متمرکز داخلی | بسیار پایین | بسیار بالا | بسیار پایین | بسیار پایین | تایید | تایید |
| ۳ | پیامرسان نامتمرکز عمومی | بسیار پایین | بسیار بالا | متوسط | متوسط | ؟ | تایید |
| ۴ | پیامرسان نامتمرکز هیبریدی | بسیار پایین | بالا | متوسط | متوسط | ؟ | تایید |
| ۵ | پیامرسان نامتمرکز خصوصی | بسیار پایین | بالا | پایین | پایین | تایید در صورت عضویت ایران در کنسرسیوم | تایید |

در جدول ۲ به کمک چهار شاخص (هزینه اجرایی، هزینه توافق، امکان افشای اطلاعات، امکان اعمال سلطه) علاوه بر ارزیابی هزینه راهکارها و مخاطرات ناشی از آن، در نهایت با توجه به اجرای قاعده نفی سبیل مبتنی بر دو رویکرد حداقلی (مستمسکین صرفاً به دلیل عقلی) و حداکثری (مستمسکین به تمامی ادله مانند حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه) هر پیامرسان ارزیابی شده است. این چهار شاخص عبارت‌اند از:

۱. هزینه اجرایی: هزینه‌های مرتبط با ایجاد بسترهای فنی و نگهداری از آن‌ها
۲. هزینه توافق: هزینه و سختی ایجاد وفاق با شرکای تجاری جهت استفاده
۳. امکان افشای اطلاعات: این امر با توجه به دسترسی طرفین به دفترکل تراکنش‌ها و ذی‌نفع بودن طرفین تعیین می‌گردد.
۴. امکان اعمال سلطه: شامل امکان اعمال سلطه ایالات متحده و تمامی کشورهای دیگر علیه جمهوری اسلامی ایران

۱-۵. استفاده از پیامرسان‌های متمرکز

استفاده از پیامرسان‌های متمرکز سایر کشورها (راهکار اول) مانند CIPS و SPFS که به ترتیب متعلق به چین و روسیه هستند، با اینکه در حال حاضر ایران را از وابستگی به سوئیفت نجات می‌دهد اما با توجه به اینکه تسلط کفار را همچنان حفظ می‌کند و ایشان از جزئیات تعاملات ما مطلع خواهند بود و این اشراف اطلاعاتی می‌تواند در نهایت منجر به اعمال زور و سلطه شود، مناسب به نظر نمی‌رسد و بر اساس رویکرد حداکثری نمی‌توان گفت که راهکاری است که راه سلطه را بر کفار می‌بندد. چراکه ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور مشابه مساله سوئیفت سایرین نیز ما را تحت فشار قرار دهند.

با توجه به جدول فوق کم‌خطرترین و مطمئن‌ترین جایگزین، پیامرسان متمرکز مالی داخلی (راهکار دوم) است. اما به جهت هزینه‌های بسیار بالای آن جهت ایجاد توافق و اجماع با سایر کشورها و شرکای تجاری، فعلاً امری ناممکن و بسیار بعیدالوقوع است.

۲-۵. استفاده از پیامرسان‌های نامتمرکز

راهکار سوم که به پیامرسان نامتمرکز عمومی مانند زنجیره بلوک بیت کوین اشاره دارد، ممکن است از این جهت که همه کاربران سیستم به اطلاعات بلاکچین دسترسی دارند، مشکل و مساله حل نشود و عملاً عدم اطلاع ایالات متحده از انتقالات مالی بین‌المللی ایران تحقق نیابد و اشراف اطلاعاتی و در ادامه آن تحریم‌ها تداوم پیدا کنند.

راهکار چهارم پیامرسان نامتمرکز هیبریدی است که پیشتر به نحوه کارکرد آن اشاره کردیم. در این پیامرسان، خواندن اطلاعات برای همه کاربران آزاد است اما نوشتن و ثبت اطلاعات (تراکنش‌ها) تنها در صورت کسب مجوز از کنسرسیوم تشکیل شده برای پیامرسان امکان‌پذیر است. با توجه به این موضوع، امکان افشای اطلاعات و به تبع امکان اعمال سلطه افزایش می‌یابد.

راهکار پنجم نیز پیامرسان نامتمرکز خصوصی را پیشنهاد می‌دهد که هم خواندن و هم نوشتن در صورت کسب مجوز از کنسرسیوم میسر خواهد بود. و از نظر رویکرد فقهی حداکثری زمانی مورد تایید خواهد بود که ایران از جایگاهی برابر با سایر اعضا و کشورها برخوردار باشد و شرایط زیر نیز برقرار باشند:

۱. کشورهای متخاصم عضو کنسرسیوم نباشند (لذا امکان رؤیت زنجیره بلوک را نخواهند داشت).
۲. مکانیسم تصمیم‌گیری جهت افزودن عضو (گره) جدید صرفاً با اجماع اعضای قبلی ممکن باشد (تا کشورهای متخاصم امکان اضافه شدن به شبکه را نداشته باشند).

با برقراری این دو شرط هزینه توافق بالا می‌رود، اما با توجه به منازعات کشورهایمانند چین و روسیه با ایالات متحده و همچنین منافع متقابل ایران با دو کشور مذکور، اجرایی ساختن این راهکار با این دو کشور خیلی سخت و دور از دسترس نخواهد بود. حضور این دو کشور در کنسرسیوم، مشوقی برای پیوستن سایر اعضا خواهد بود؛ بدیهی است اعضای این کنسرسیوم را کشورهایایی تشکیل خواهند داد که یا به لحاظ

سیاسی و یا به لحاظ اقتصادی در پیوستن به آن منافی برای خود متصور شوند که عمدتاً از کشورهای بلوک شرق خواهند بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد سیاستی

ابتدا به تعریف، جایگاه و تطور قاعده نفی سبیل پرداختیم و با بیان ادله چهارگانه شیعه، مستندات این قاعده به تفصیل بحث شد و بیان شد که در اصل پذیرش این قاعده که اجمالاً به عدم تسلط کفار بر مسلمین اشاره دارد اختلافی نیست اما در توصیف دقیق قاعده و بیان دلالت آن و شمول آن نسبت به مصادیق، میان فقها اختلاف است که عمدتاً ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش و یا تفسیر برخی از آن ادله چهارگانه است. از این رو رویکردهای گوناگون نسبت به دلالت‌ها و شمول این قاعده را به سه دسته کلی تقسیم کردیم. دسته اول، گروهی هستند که تنها دلیل عقلی را پذیرفته‌اند و در تعیین مصادیق این قاعده به قدر متیقن اکتفا می‌کنند که در این تحقیق از آن‌ها با عنوان قائلین به رویکرد حداقلی نام بردیم. دسته دوم خود شامل انواع طیف‌هایی است که در کنار دلیل عقلی حداقل یکی از دلایل لفظی را نیز پذیرفته‌اند اما در مورد معنی و تفسیر و دلالت به یکدیگر اختلاف دارند و هرکدام تفسیری خاص از دلیل لفظی دارد. این طیف‌ها در یک دسته قرار داده شدند از آن جهت که برای تعیین مصادیق قاعده باید براساس تفسیری که از دلیل لفظی ارائه شده است، بحث شود که آیا مصداق مدنظر مشمول این قاعده می‌شود یا خیر. اما گروه سوم، افرادی هستند که هم دلیل عقلی و هم دلیل لفظی را پذیرفته‌اند اما در میان معانی و تفاسیر مختلف دلیل لفظی، قائل به اطلاق و عموم دلیل هستند و همه معانی را در نظر می‌گیرند که ما در این تحقیق از آنها با نام قائلین به رویکرد حداکثری نام بردیم. و در تحقیق به دنبال این رفتیم که نشان دهیم از نظر رویکرد حداقلی وضعیت فعلی نظام تسویه بین‌المللی مشمول قاعده نفی سبیل می‌گردد و در نهایت به دنبال راهکاری رفتیم که بر اساس رویکرد حداکثری نیز مورد پذیرش واقع شود.

سپس بیان شد که قطعا وضعیت فعلی در نظام پرداخت و تسویه بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران مصداق بارز تسلط کفار بر بخشی از نظام اقتصادی مسلمین است که موجب ذلت و استضعاف جامعه اسلامی شده است. از این رو بر اساس رویکرد حداقلی این امر مشمول قاعده نفی سبیل می‌گردد و به طریق اولی از منظر تمامی دیدگاه‌های دیگر نیز مشمول قاعده نفی سبیل می‌شود؛ چراکه تمام دیدگاه‌ها دلیل عقلی را پذیرفته بودند و در نتیجه واجب است که سبیل تسلط کفار بر مسلمین بسته شود. بدین منظور راهکاری مناسب است که علاوه بر عملیاتی بودن، بتواند از نظر رویکرد فقهی حداکثری نسبت به قاعده نفی سبیل، نفی این سبیل را محقق نماید. که تنها راهکارهای دوم و پنجم این امر را محقق می‌نمایند، اما به جهت هزینه بسیار بالای توافق، عملا در حال حاضر این مسیر ممکن به نظر نمی‌رسد.

از این رو پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران به دنبال طراحی و راه‌اندازی پیام‌رسان مالی نامتمرکز خصوصی با همکاری شرکای اصلی تجاری خود و تعدادی از کشورهایی که انگیزه‌هایی همسو در جهت تضعیف سلطه ایالات متحده در جهان را دارند، بنماید. این طراحی بدین صورت خواهد بود که این کشورها با یکدیگر یک کنسرسیوم تشکیل خواهند داد و بانک مرکزی هر کدام از کشورها به عنوان گره در این سیستم پیام‌رسان حضور خواهد داشت و بانک‌ها از طریق بانک مرکزی کشور خود در این سیستم به تبادلات خود می‌پردازند. بدیهی است در طراحی مدل، در نظر داشتن ملاحظات دیگر از قبیل موارد امنیتی و... نیز ضروری است، اما از موضوع بحث فعلی خارج می‌باشد.

در صورت اجرای این پروژه، ایالات متحده دسترسی به اطلاعات تراکنش‌های مالی جمهوری اسلامی ایران از طریق پیام‌رسان مالی نخواهد داشت و قطع دسترسی ایران به سوئیفت نیز بی‌اثر خواهد شد. و قاعده نفی سبیل محقق می‌شود. در اینجا لازم به ذکر است که این کنار زدن سلطه ایالت متحده زمانی پررنگ‌تر اجرا خواهد شد که در بستر این پیام‌رسان ارز واسطی تعریف شود که بتواند امر انتقال ارزش را نیز محقق سازد و

در صورت تحقق این امر رکن سوم مبادلات بین‌المللی نیز از سلطه ایالات متحده خارج خواهد شد.

یادداشت‌ها:

1. <https://b2n.ir/s/45189>
2. node
3. Trusted disseminated system
4. Permissioned

کتابنامه:

قرآن کریم

- اسدی، زهره و یآوری، کاظم (۱۳۹۹ش). اثر تحریم‌ها بر ناپایداری مالی بانک‌های ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری.
- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه (۱۳۹۵ش). ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران. فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره ۴، ۳۷-۷۱.
- امانی جونقانی، الهام؛ باستانی‌فر، ایمان و حیدری، محمدرضا (۱۴۰۰ش). رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین سوئیفت در محیط تحریم (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران). فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۳۲۲-۳۴۹.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ اعظم) (۱۴۱۸). کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: مؤسسه الهادی، ج ۳.
- آقامهدوی، اصغر و اکبری، محمود (۱۳۹۱ش). رابطه قاعده نفی سبیل با استراتژی‌های مطرح در سیاست خارجی (با تکیه بر آیه نفی سبیل). دانش حقوق عمومی. ۱(۱)، ۴۷-۶۶.
- بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
- جعفری هرندی، محمد (۱۳۸۴ش). قاعده نفی سبیل و کاربرد آن در روابط بین‌الملل. مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق، شماره ۲، ۶۵-۷۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق). وسائل الشیعه. جلد ۲۶، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.

- خاشعی ورنامخواستی، وحید؛ گوهری فر، مصطفی؛ دهدشتی شاهرخ، زهره و سیف، ولی الله (۱۴۰۰ش). واکاوی آینده نظم پولی جهانی و تأثیرات آن بر نظام بانکداری بین‌الملل ایران. پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص. ۲۱-۴۰.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی و داوری، روح الله (۱۴۰۰ش). تأثیر آیه نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۴۴، ۷-۳۹.
- رازی، ابوالفتوح، حسین بن علی (۱۲۰۵ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۶.
- رایگان، محمود و قاسمیان، رضا (۱۳۹۳ش). نقش قاعده‌ی «نفی سبیل» در توسعه‌ی جوامع اسلامی. نشریه حکومت اسلامی، شماره ۷۱، ۱۳۹-۱۶۴.
- رضایی صدرآبادی، محسن (۱۳۹۹ش). تبیین اقتصادی ماهیت پول‌های مجازی و تحلیل آن از منظر اقتصاد اسلامی. *پایان‌نامه دکتري. دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.*
- رضایی، مجید و هاشمی، سید محمدعلی (۱۳۹۱ش). بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه‌های امام خمینی (س). *پژوهشنامه متین*، شماره ۵۷، ۶۱-۸۶.
- زارع قراملکی، محمد (۱۳۸۹ش). *اصول تفکر سیاسی در قرآن*. چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان.
- زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی و محمدی، کیمیا (۱۳۹۳ش). قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۶، ۱۶۷-۱۸۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۵ش). *الموجز فی اصول الفقه*. غرویان، محسن، و طالبیان، سیدمحمدرضا. جلد ۲، چاپ یازدهم، قم: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۸ش). *دروس موجزه فی علمی الرجال و الدرایه*. چاپ دوم، قم: مرکز المصطفی‌العالمی للترجمه و النشر.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰ش). *اصول سیاست خارجی در قرآن*. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی، شماره ۱۵، ۱۶۹-۱۸۲.

بررسی رویکردهای مختلف به قاعده‌ی نفی‌سبیل و... مهدی‌سلامی و همکاران *مطالعات اقتصاد اسلامی* ۷۵۹

شجاعیان، محمد (۱۳۹۹ش). سیر تحول مفهوم قاعده نفی‌سبیل در فقه سیاسی شیعه. *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه*، دوره ۸، شماره ۳۰، ۱۰۹-۱۲۸.

شریف زاده، محمدجواد و حسنی، مجتبی (۱۳۹۳ش). الگوی مطلوب تجارت خارجی در اقتصاد اسلامی و مهمترین اصلاحات نهادی برای پیاده‌سازی آن در ایران. *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۳، ۸۷-۱۱۹.

شکاری، روشنعلی؛ ملیحی، سید حمیدرضا، و ممتازنیا، محمدسعید (۱۳۹۶ش). واکاوی فقهی آیه نفی‌سبیل و ادله هم سو و شمول آن نسبت به مناصب انتخابی در دولت مدرن. *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، دوره ۱۱، شماره ۲۱، ۳۱-۴۶.

شهابی، سهراب و شاه بیگ، حسن (۱۳۹۶ش). بحران جهانی ۲۰۰۸ و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول. *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۳، ۶۱-۱۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بابویه قمی (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. جلد ۴، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی قمی، سید تقی (۱۳۸۱ش). *الانوار البهیة فی القواعد الفقهیه*. چاپ اول، قم: محلاتی. طباطبایی، علامه سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد ۳، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، قم: مکتبه آیت الله مرعشی، ج ۱، ۳ و ۴.

عزیزی، محمود و شریفیان، جمشید (۱۳۹۹ش). بایسته‌های سوئفت و آسیب‌شناسی آن در حقوق تجارت ایران در پرتو تحریم. *نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی*. شماره ۱۶، ۷۰-۸۹. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳ش). *قاعده نفی‌سبیل*. مقالات و بررسی‌ها. شماره ۷۶، ۲۳۱-۲۳۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳ش). *القواعد الفقهیه*. چاپ اول، قم: مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم‌السلام.

فیروزآبادی، سیدابوالحسن؛ آزادی، جواد؛ زبینه، حسین؛ برقی، سید امیررضا و حسینی، سید رسول (۱۳۹۹ش). *درآمدی بر حکمرانی فضای مجازی*. چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۶ش.

قرطبی، محمد (۱۳۶۴ش). *الجامع الاحکام القرآن*. جلد ۵، چاپ اول، تهران: ناصر خسرو.
کرمی، محمدمهدی و پورمند، محمد (۱۳۹۷ش). *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*. چاپ شانزدهم،
تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و
توسعه علوم انسانی.

کریمی لاریمی، الیاس (۱۳۹۷ش). *بررسی فقهی قاعده نفی سیل*. همایش ملی پژوهش‌های
نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، دوره ۵.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. جلد ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کیماسی، مسعود؛ غفاری‌نژاد، امیرحسین و رضایی، سولماز (۱۳۹۵ش). تأثیر تحریم‌های نظام
بانکی کشور بر سودآوری آن‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*. سال نهم، شماره ۲۸،
۱۷۱-۱۹۷.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقهی*. جلد ۱، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر
علوم اسلامی.

مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۲۱۵ق). *العناوین الفقهیه*، قم: انتشارات اسلامی
وابسته به جامعه مدرسین، ج ۲.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱ش). *مواضع رهبر معظم انقلاب در خصوص
تحریم‌ها و دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران*. دفتر مطالعات سیاسی مرکز
پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق). *القواعد مائه قاعده فقهیه معنی و مدرکا و موردا*. چاپ
چهارم، قم: انتشارات اسلامی.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۹۱۵ش). *البيان فی براهین احکام القرآن*، قم:
انتشارات مؤمنین، ج ۲.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰ش). *القواعد الفقهیه*. جلد ۱، چاپ سوم، قم: مدرسه الامام علی بن
ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*. جلد ۴، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش). *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی. جلد ۹،
چاپ اول، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میری رستمی، سید محمد؛ سلیمی، علیرضا؛ ناظمی اشنی، محمدحسین و حسینی، سید علیرضا (۱۳۹۸ش). بررسی الزامات بین‌المللی در مواجهه با قاعده نفی سبیل و تأثیر آن در بقاء نظام از منظر قرآن و فقه امامیه. فصلنامه مطالعات قرآنی. شماره ۴۰، ۱۱۱-۱۳۸.

Holy Quran

- Aghamahdavi, Asghar, and Akbari, Mahmoud (2012). The relationship between the rule of denying the mustache and the strategies proposed in foreign policy (based on the verse of denying the mustache). *Knowledge of public law*. 1 (1), 47-66.
- Alidoost, Abolghasem (2004). Rule of Nafisabil. *Articles and reviews*. (76), 231-235. (in Persian).
- Allen, Sarah; Čapkun, Srđjan; Eyal, Ittay; Fanti, Giulia; Ford, Bryan; Grimmelmann, James; Juels, Ari; Kostianinen, Kari, & Meiklejohn, Sarah. (2020). *Design Choices for Central Bank Digital Currency: Policy and Technical Considerations*, Cambridge, MA.
- Amani Junghani, Elham; Bastani Far, Iman, & Heidari, Mohammad Reza (2021). Ranking of Swift alternatives in the sanctions environment (Case study: Islamic Republic of Iran). *Economic Strategy*, 10(37), 322-349. (in Persian).
- Ansari, Murtaza bin Muhammad Amin (Great Sheikh) (1418). *Book of Gains*, First Edition, Qom: Al-Hadi Institute, vol. 3.
- Asadi, Zohreh, & Yavari, Kazem (2020). The effect of sanctions on the financial instability of Iranian banks. *Quantitative Economics Research*. (in Persian).
- Azizi, Mahmoud, & Sharifian, Jamshid (2020). Swift requirements and its pathology in Iranian commercial law in the light of sanctions. *Journal of Islamic Research and Studies*. (16), 70-89. (in Persian).
- Bechtel, Alexander; Ferreira, Agata; Gross, Jonas, & Sandner, Philipp (2022). The Future of Payments in a DLT-Based European Economy: A Roadmap. Markus Heckel, Franz Waldenberger (Eds.): *The Future of Financial Systems in the Digital Age: Perspectives from Europe and Japan*. 89-116. Available online at https://doi.org/10.1007/978-981-16-7830-1_6.
- Bojnurdi, Sayyid Muhammad ibn Hassan Mousavi (1981). *Rules of Jurisprudence*, Vol. 1, Third Edition, Tehran: Orouj Institute. (in Persian).
- Congressional research service (CRS). (2021). *International Financial Messaging Systems*, retrieved from: <https://sgp.fas.org/crs/row/R46843.pdf>
- Diari Bidgoli, Mohammad Taghi, & Davari, Ruhollah (2021). The effect of Nafisabil verse on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Quranic Knowledge*, (44), p. 7-39. (in Persian).
- European Parliament (2020). *Blockchain for supply chains and international trade*. Retrieved from [europarl.europa.eu](https://www.europarl.europa.eu):

- [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2020/641544/EPRS_STU\(2020\)641544_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2020/641544/EPRS_STU(2020)641544_EN.pdf).
- Fantacci, Luca & Gobbi, Lucio (2021). Stablecoins, Central Bank Digital Currencies and US Dollar Hegemony: The Geopolitical Stake of Innovations in Money and Payments. Accounting, Economics, and Law: A Convivium.
- Fazel Lankarani, Mohammad (2004). Al-Ghavaed al-Fighhiyya. First Edition, Qom: Center for the Jurisprudence of the Imams. (in Arabic).
- Firoozabadi, Seyed Abolhasan; Azadi, Javad; Zibandeh, Hussein; Borghei, Seyed Amir Reza, & Hussein, Seyed Rasoul (2020). An Introduction to Cyber Governance. First Edition, Tehran: Imam Sadegh University. (in Persian).
- Huur Al-ameli, Muhammad ibn Hassan (1989). Wasa'il al-Shia. Vol. 26, Qom: Al-Bayt Institute. (in Arabic).
- Ikhlas, Muhammad Ali (2014). The jurisprudential rule of Nafye-sabil (non-Muslims have no authority over Muslims) and participating in international organizations. A-FQ 5 (1). 34-54.
- Islami, Mohsen, & Naqdi, Farzaneh (2016). The tool of US sanctions and foreign policy towards Iran. Foreign Relations, 8(4), 37-71. (in Persian).
- Jafari Harandi, Mohammad (2005). The rule of Nafisabil and its application in international relations. Specialized Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Law, (2), 65-75. (in Persian).
- Karami, Mohammad Mehdi, & Poormand, Mohammad (2018). Jurisprudential Foundation of Islamic Economics. Sixteenth Edition, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samt), Research Institute for Humanities Research and Development. (in Persian).
- Karimi Larimi, Elias (1397). Jurisprudential study of the rule of Nafisabil. National Conference on New Research in the Field of Humanities and Social Studies, Vol. 5. (in Persian).
- Keimasi, Massoud; Ghaffarinejad, Amir Hossein, & Rezaei, Solmaz (2016). The effect of sanctions on the country's banking system on their profitability. Journal of Monetary-Banking Research. 9(28), 171-197. (in Persian).
- Khashei Vernamkhashti, Vahid; Goharifar, Mustafa; Dehdashti Shahrokh, Zohreh, & Seif, Waliullah (2021). An analysis of the future of the global monetary order and its effects on Iran's international banking system. Organizational Resource Management Research, 11(2), 21-40. (in Persian).
- Koleini, Mohammad ibn Ya'qub (1987). Al-Kafi. Vol. 1, Tehran: Islamic Library. (in Arabic).
- KPMG report (2019). 10 predictions for the future of payments, retrieved from: <https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/uz/pdf/2020/04/uz-10-predictions-for-the-future-of-payments.pdf>
- Krugman, Paul R.; Obstfeld, Maurice, & Melitz, Marc J. (2018). International economics. Boston: Pearson Addison-Wesley.
- Makarem Shirazi, Naser (1991). Al-Ghavaed al-Fighhiyya. Vol. 1, Third Edition, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) School. (in Arabic).

- Makarem Shirazi, Naser (1992). Tafsir Nemooneh. Vol. 4, First Edition, Tehran: Islamic Library. (in Persian).
- Maraghi, Sayyid Mir Abd al-Fattah (1215 AH). The titles of jurisprudence, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the community of teachers, vol. 2.
- McDowell, Daniel. (2021). Financial Sanctions and Political Risk in the International Currency System. *Review of International Political Economy*. 28(3).
- Milkau, Udo (2019). International payments: Current alternatives and their drivers.
- Miri Rostami, Seyyed Mohammad; Salimi, Alireza; Nazemi Ashni, Mohammad Hossein, & Hosseini, Seyed Alireza (2019). Investigating the international requirements in the face of the rule of Nafisabil and its effect on the survival of the system from the perspective of the Qur'an and Imami jurisprudence. *Journal of Quranic Studies*. (40), 111-138. (in Persian).
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa (1986). Jurisprudential rules. Vol. 1, Twelfth Edition, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (in Persian).
- Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1999). Sahifa Imam, a collection of works by Imam Khomeini. Vol. 9, First Edition, Tehran: Imam Khomeini Publishing Hous. (in Persian).
- Muqaddas Ardabili, Ahmad ibn Muhammad (1915). Statement in the proofs of the rules of the Qur'an, Qom: Mo'menin Publications, Vol.2.
- Mustafavi, Sayyed Mohammad Kazem (2000). The rules are the rule of jurisprudence, meaning, evidence and case. Fourth Edition, Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic).
- Qurtabi, Mohammad (1985). Al-Jame al-Ahkam al-Qur'an. Vol. 5, First Edition, Tehran: Naser Khosrow Publications. (in Arabic).
- Rayegan, Mahmoud, & Ghasemian, Reza (2014). The role of the Nafisbil rule in the development of Islamic societies. *Journal of Islamic Government*, (71), 139-164. (in Persian).
- Razi, Abu al-Futuh, Husayn ibn Ali (1205 AH). Rooz Al-Jannan and Ruh Al-Jannan in Tafsir al-Quran, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, vol. 6.
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly (2012). The positions of the Supreme Leader of the Revolution regarding sanctions and nuclear diplomacy of the Islamic Republic of Iran. Office of Political Studies, Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (in Persian).
- Rezaei Sadrabadi, Mohsen. (2020). Economic explanation of the nature of virtual currencies and its analysis from the perspective of Islamic economics. PhD Thesis. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadegh University. (in Persian).

- Rezaei, Majid, & Hashemi, Seyed Mohammad Ali (2012). Re-reading the rule Nafisabil with an approach to the thoughts of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*, (57), 61-86. (in Persian).
- Risius, Marten, & Spohrer, Kai (2017). A Blockchain Research Framework. *Business & Information Systems Engineering*, Vol. 59, 385-409.
- Sajjadi, Sayyid Abdul Qayyum (2001). Principles of foreign policy in the Qur'an. *Political Science*, (15), 169-182. (in Persian).
- Shahabi, Sohrab, & Shah Beyg, Hassan (2017). The 2008 global crisis and the Islamic Republic of Iran's approaches to international money management. *Foreign Policy*, (3), 61-120. (in Persian).
- Sharifzadeh, Mohammad Javad, & Hasani, Mojtaba (2014). The favorable model of foreign trade in the Islamic economy and the most important institutional reforms for its implementation in Iran. *Journal of Islamic Economic Studies*, (13), 87-119. (in Persian).
- Sheikh Saduq, Muhammad ibn Ali Babawayh Qomi (1993). *Man La Yahduruhu al-Faqih*. Vol. 4, Qom: Islamic Publishing Office affiliated. (in Arabic).
- Shekari, Roshan Ali; Malihi, Seyed Hamid Reza, & Mumtaznia, Mohammad Saeed (2017). Jurisprudential analysis of the verse of Nafisbil and its side arguments and inclusion in relation to elected positions in the modern government. *Journal of Quran and Hadith*, 11(21), 31-46. (in Persian).
- Shojaeian, Mohammad (2020). The evolution of the concept of the Nafisbil rule in Shia political jurisprudence. *Journal of Transcendental Politics*, 8(30), 109-128. (in Persian).
- Sobhani, Jafar (2015). *Al-Mujaz in the principles of jurisprudence*. Gharavian, Mohsen, & Talebian, Seyed Mohammad Reza. Vol. 2, Eleventh Edition, Qom: Dar al-Fikr. (In Arabic).
- Sobhani, Jafar (2019). *Dorus Mujazah fi Elmey al-Rijal & al-Derayah*. Eighth Edition, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. (in Arabic).
- Swift (2016). SWIFT on distributed ledger technologies, Retrieved from Swift website: <https://www.swift.com/swift-resource/22221/download?language=en>.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (Bita). *Collection of statements in the interpretation of the Qur'an*, Qom: Library of Ayatollah Marashi, vols. 1, 3 and 4.
- Tabatabaee Qomi, Seyed Taghi (2002). *Al-Anvar al-Bahiyya fi al-Ghavaed al-Fighhiyya*. First Edition, Qom: Mahallati. (in Arabic).
- Tabatabaee, Seyyed Mohammad Hussein (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Vol. 3, Fifth Edition, Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic).
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran. (2007). General Office of Codification and Revision of Laws and Regulations. (in Persian).
- van Steen, Maarten, & Tanenbaum, Andrew S (2016). A brief introduction to distributed systems. *Computing*, Vol. 98, 967-1009.
- World Bank Group (2017). *Distributed Ledger Technology (DLT) and Blockchain*. Retrieved from [openknowledge.worldbank](https://openknowledge.worldbank.org/) website:

<https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/29053/WP-PUBLIC-Distributed-Ledger-Technology-and-Blockchain-Fintech-Notes.pdf?sequence=5>.

- Zamani, Mahdi; English, Erin; Kumaresan, Ranjit; Christodorescu, Mihai; Catherine Gu, Wanyun; Harper, Chad; Sheffield, Cuy; Minaei, Mohsen, & Raghuraman, Srinivasan (2021). Cross-Border Payments for Central Bank Digital Currencies via Universal Payment Channels. Retrieved from Bank for International Settlement website: http://www.bis.org/events/cpmi_ptfop/proceedings/paper14.pdf.
- Zare Gharaaleki, Mohammad (2010). Principles of political thinking in the Qur'an. First Edition, Tehran: Young Thought Association. (in Persian).
- Zarei, Bahador, Zeini-vand, Ali, & Mohammadi, Kimia (2014). Nafisbil rule in Islamic thought and foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Journal of Islamic Revolution Studies, (36), 167-182. (in Persian).